

دکتر رابرت ای. پترسون، رستگاری، جلسه ۱۰

تجدید حیات

رابرت پترسون و تد هیلدبرانت ۲۰۲۴ ©

این دکتر رابرت پترسون در حال تدریس در مورد رستگاری است. این جلسه دهم، بازسازی است.

ما سخنرانی‌های خود را در مورد نجات‌شناسی یا آموزه رستگاری ادامه می‌دهیم و از دعوت به بازسازی می‌رسیم.

پس از یک پیشگفتار کوتاه کتاب مقدس، با فرمول‌بندی‌های سیستماتیک بازآفرینی کار می‌کنیم. بازآفرینی شرح داده شده، بازآفرینی و نیاز ما، بازآفرینی در تثلیث، بازآفرینی و کار نجات‌بخش عیسی، بازآفرینی و کلام خدا، بازآفرینی در غسل تعمید، بازآفرینی در ایمان، بازآفرینی و زندگی مسیحی. در پایان، آن را جمع‌بندی خواهیم کرد.

خلاصه کتاب مقدس خیلی کوتاه است. ما در عهد عتیق، زبان و وعده تجدید حیات را در ختنه قلب، در عطیه وعده داده شده روح در حزقیال ۳۶، و در عهد جدید، وعده تبدیل قلب در ارمیا ۳۱ می‌یابیم. حزقیال تا ۳۷، باید این را بخوانیم، وعده‌های خدا، حزقیال ۳۶:۲۵ تا ۳۶:۳۵

پس از وعده‌ی گرد هم آوردن دوباره‌ی اسرائیل، در اینجا موضوع همین است، من آب پاک بر شما خواهم پاشید و شما از تمام ناپاکی‌ها و از تمام بت‌هایتان پاک خواهید شد. من شما را پاک خواهم کرد و قلبی تازه و روحی تازه به شما خواهم داد. من در درون شما قرار خواهم داد و قلب سنگی را از جسم شما دور خواهم کرد و قلبی گوشتی به شما خواهم داد و روح خود را در درون شما خواهم نهاد و شما را وادار خواهم کرد که در فرایض من قدم بردارید و مراقب باشید که از قوانین من پیروی کنید.

احتمالاً ما به اندازه‌ی بخش بزرگ عهد جدید در ارمیا ۳۱ تا ۳۱، ۳۱ تا ۳۴ با آن آشنا نیستیم. خداوند می‌گوید: «اینک، روزهایی فرا می‌رسد که من با خاندان اسرائیل و خاندان یهودا عهدی جدید خواهم بست، نه مانند عهدی که با پدرانشان بستم در روزی که دستشان را گرفتم تا از سرزمین مصر بیرونشان بیاورم، عهدی که آنها شکستند، با اینکه من شوهر آنها بودم.» زیرا خداوند می‌گوید: «این عهدی است که پس از آن روزها با خاندان اسرائیل خواهم بست.» من شریعت خود را در درون آنها خواهم نهاد و آن را بر قلبشان خواهم نوشت و من خدای آنها خواهم بود و آنها قوم من خواهند بود.

و دیگر کسی به همسایه‌اش و به برادرش نخواهد گفت که خداوند را بشناس، زیرا همه از کوچک تا بزرگ مرا خواهند شناخت، خداوند می‌گوید، زیرا من گناه ایشان را خواهم بخشید و دیگر گناه ایشان را به یاد نخواهم آورد. هم در انجیل یوحنا و هم در رساله اول او، زبان تولد یا تجدید حیات را برای توصیف زندگی جدید مؤمنان می‌یابیم. کار تجدید حیات خداوند، کار اراده حاکمانه اوست.

تجدید حیات در نظر پولس، کار روح القدس است، تیطوس ۳:۵، و توسط او و جاهای دیگر به عنوان رستاخیز یا خلقت جدید خدا توصیف شده است. ما هم در اول پطرس و هم در یعقوب می‌بینیم که خدا از طریق کلام خود، از طریق موعظه انجیل عیسی مسیح، مؤمنان را تجدید حیات می‌کند - تجدید حیات فرمول‌بندی‌های سیستماتیک.

توصیف تولد دوباره. کتاب مقدس از تصاویر بسیاری از آوردن فیض خدا بر زندگی گناهکاران، از جمله تولد دوباره، استفاده می‌کند. به عبارت دیگر، کل کاربرد نجات، که ما آن را از برنامه‌ریزی نجات توسط خدا در

، ازلیت گذشته، گزینش، و تحقق نجات توسط خدا در مرگ و رستاخیز عیسی در قرن اول متمایز می‌کنیم، کاربرد نجات، آوردن فیض واقعی خدا توسط خدا، و باعث می‌شود ما خداوند را بشناسیم، به طرق مختلفی بیان شده است که ما در این دوره مطالعه می‌کنیم.

این اوست که ما را با پسرش متحد می‌کند. این اوست که ما را می‌خواند و از طریق دعوت انجیل به طور مؤثر ما را فرا می‌خواند. این اوست که به ما زندگی جدید و تجدید حیات می‌بخشد.

این تبدیل کردن ما توسط اوست، برگرداندن ما از گناه به سوی خودش، همانطور که در انجیل ارائه شده است. تبدیل کردن، خلاصه‌ای از توبه و ایمان است. این توجیه کردن ما توسط اوست، اعلام کردن ما به عنوان عادل.

این به معنای پذیرفتن ما به عنوان عضوی از خانواده‌اش توسط اوست. این تقدیس ما توسط او یک بار برای همیشه و در طول زندگی و به صورت تدریجی است. این نجات یافتن و حفظ ماست.

همه اینها روش‌های مختلفی برای صحبت در مورد یک واقعیت واحد، یعنی رستگاری به کار رفته، هستند. و اکنون ما این کار را از نظر زندگی، پیشینه، مرگ معنوی، تجدید حیات که رستاخیز معنوی است، یا اینکه خدا به کسانی که در گناهان و خطاهایشان مرده‌اند، زندگی تازه می‌دهد، انجام می‌دهیم. کتاب مقدس از تصاویر زیادی از فیض خدا برای تأثیرگذاری بر زندگی گناهکاران استفاده می‌کند، که من آنها را خلاصه کردم، از جمله تصویر تجدید حیات.

تجدید حیات، عمل فیض‌آمیز خداست که به کسانی که از نظر روحانی مرده هستند، حیات تازه می‌بخشد. افسسیان ۲ آیات ۴ و ۵، خدا ما را با مسیح زنده کرد، اگرچه در گناهان مرده بودیم. شما به فیض نجات یافته‌اید.

مظهر فیض برای پولس رسول، زنده کردن حیات از مرگ توسط خداست. برای خدا، برای اینکه کسانی را که از نظر روحانی مرده هستند، یعنی فاقد حیات خدا، زنده می‌کند، آنها را زنده می‌کند، آنها را برای خدا و امور خدا و برای سایر مؤمنان زنده می‌کند. بسیاری از مسیحیان با موقعیت غم‌انگیز، شادی و غم در کنار هم صحبت با یک مؤمن دیگر از یک خانواده یا دوستان نجات نیافته، صحبت با یک مؤمن دیگر به مدت نیم ساعت، و احساس اینکه آنها را بهتر از افرادی که تمام عمر خود را می‌شناسید و نمی‌توانید با آنها در سطح معنوی ارتباط برقرار کنید، می‌شناسند.

این نتیجه‌ی مرگ روحانی افراد مسن، کسانی که خداوند را نمی‌شناسند، به خصوص کسانی که در سنین بالا، بوده‌اند، و از نظر روحانی مرده هستند، و شما و دوستان مسیحی جدیدتان که از نظر روحانی زنده هستید می‌باشد. این کار تجدید حیات است. یوحنا با مقایسه‌ی تجدید حیات با تولد طبیعی، تعلیم داد که این یک امر ماوراءالطبیعه است.

انجیل یوحنا فصل ۱:۱۲ و ۱۳. به همه کسانی که او، یعنی مسیح را پذیرفتند، این حق را داد که فرزندان خدا باشند، به کسانی که به نام او ایمان آورند، کسانی که نه از طریق تولد طبیعی یا از خواهش جسم یا از خواهش مردم، بلکه از خدا متولد شدند. یوحنا ۱:۱۲ و ۱۳.

عیسی تعلیم داد که تجدید حیات آنی است. نقل قول، به راستی به شما می‌گویم، هر که کلام مرا بشنود و به فرستنده من ایمان آورد، حیات جاودان دارد و هرگز داوری نخواهد شد، بلکه از مرگ به حیات منتقل شده است. یوحنا ۵:۲۴.

پولس تولد تازه را با ختنه قلب، که یک مفهوم عهد عتیق است، مقایسه می‌کند. پولس در رومیان ۲:۲۹ می‌نویسد، کسی یهودی است که از درون یکی باشد و ختنه قلب به وسیله روح باشد، نه به وسیله حرف رومیان ۲:۲۹

خداوند در تثنیه ۱۰:۱۸ به اسرائیل سرکش هشدار داد که دل‌های خود را ختنه کنید و دیگر گردن‌کشی نکنید. این یک دستور است. خداوند از روی رحمت به اسرائیل گفت که دل‌هایشان را ختنه خواهد کرد تا او را با تمام قلب و تمام روحشان دوست داشته باشند.

یعنی، فرمان تثنیه ۱۰:۱۶ بعداً در تثنیه ۳۰ و آیه ۸ به صورت اشاره‌ای درمی‌آید. خداوند وعده داده است که قوم خود را از درون تجدید کند و قلب‌های سخت را با قلب‌های پذیرا جایگزین کند. در عهد جدید، روح او در قومش ساکن می‌شود و آنها را به اطاعت وامی‌دارد. حزقیال ۳۶:۲۶، ۲۷

این پدیده‌ی عهد جدید در مورد وجه امری است. وجه اخباری، اینها حالت‌ها یا وجوه افعال یونانی هستند که به اصطلاحی برای صحبت در مورد وجه اخباری تبدیل شده‌اند، که حالتی برای بیان چگونگی وجود چیزها است، یک بیان ساده از واقعیت. البته من دارم بیش از حد ساده‌سازی می‌کنم.

این از آنچه خدا برای ما انجام داده است، یعنی بازگویی اعمال عظیم او در هر دو عهد، سخن می‌گوید. امر فرمان خداست که قومش را به زندگی برای او بر اساس وجه اخباری امر می‌کند. بنابراین، وجه اخباری، آنچه را که خدا انجام داده است، بیان می‌کند.

امر بر اساس وجه اخباری است و قوم خدا را فرا می‌خواند تا بر اساس آنچه خدا انجام داده است زندگی کنند. او به آنها فرمان می‌دهد. او از آنها انتظار دارد که برای او زندگی کنند زیرا او آنها را نجات داده است.

تولد تازه و نیاز ما. من دریافته‌ام که هر جنبه از کاربرد رستگاری در پرتو نیاز متناظر با آن به بهترین شکل درک می‌شود. اگر هر یک از این جنبه‌ها راهی برای صحبت در مورد رستگاری باشد، پس هر یک از تصاویر نیاز ما راهی برای صحبت در مورد گناه ماست.

بنابراین، اتحاد با مسیح، راهی برای صحبت در مورد نجات، نیاز ما، این تصویر از گناه از نظر اتحاد به عنوان جدایی از مسیح. فراخواندن، خدا ما را در دعوت مؤثر از طریق دعوت انجیل فرا می‌خواند. نیاز این است که ما از نظر معنوی کر و لال بودیم، یا از نظر معنوی چشم برای دیدن و گوش برای شنیدن نداشتیم.

اما خدا آن را به ما می‌دهد. او چشمان ما را باز می‌کند. اگر بخواهید، گوش‌های ما را از آن جدا می‌کند.

و ما این را برای هر یک از جنبه‌ها خواهیم یافت. عادل شمرده‌ای. ما محکوم شدیم و خدا ما را در مسیح عادل اعلام کرد.

فرزندخواندگی. خدا می‌گوید ما فقط یتیم نبودیم، همانطور که برخی از خدمتگزاران محبوب و تا حدودی سالم می‌گویند، بلکه ما برده بودیم. و او ما را آزاد کرد و به عنوان پسران و دختران معنوی خود به فرزندی پذیرفت.

تقدیس. ما ناپاک بودیم. ما جذامیان روحانی بودیم که به سینه خود می‌کوبیدیم و می‌گفتیم، خدایا به من گناهکار رحم کن.

و او ما را به عنوان مقدسین خود تشکیل می‌دهد، روح خود را به ما می‌دهد و در زندگی ما کار می‌کند. هر جنبه‌ای از کاربرد نجات با یک نیاز مطابقت دارد. در این مورد، قبل از تولد دوباره، ما از نظر روحانی مرده بودیم.

با مهربانی و محبت فراوان نسبت به ما، نقل قول کنید، نه به خاطر اعمال صالحی که انجام داده بودیم، بلکه به خاطر رحمت خود، از طریق غسل تولد دوباره و تجدید حیات توسط روح القدس، خدا روح خود را به وفور از طریق عیسی مسیح، نجات دهنده ما، بر ما ریخت، تیطوس ۳، ۵ و ۶. مرگ روحانی در صدر فهرست نیاز ما به نجات قرار دارد. نقل قول کنید، شما در گناهان و خطاهایی که قبلاً در آنها گام برمی‌داشتید، مرده بودید. به گفته حاکم قدرت هوا، ما نیز، همه قبلاً در میان آنها در خواسته‌های جسمانی خود زندگی می‌کردیم و ذاتاً فرزندان غضب بودیم، افسسیان ۲، ۱ تا ۴. نیاز ما به تولد دوباره ساده است.

قبل از تولد تازه، ما از نظر روحانی مرده بودیم. ما فاقد حیات الهی بودیم و نمی‌توانستیم خود را زنده کنیم. تولد تازه و تثلیث، جای تعجب نیست که هر جنبه‌ای از آموزه نجات، کار خدا، تثلیث، است.

هر یک از شخصیت‌های تثلیث مقدس نقشی در تولد دوباره ما ایفا می‌کنند. خدای پدر اراده می‌کند که ما از نو متولد شویم، اول پطرس ۱:۳. خوب است که به آنجا برگردیم زیرا این یک متن فوق‌العاده در مورد تولد دوباره است. اول پطرس ۱، ۳ و پس از آن، متبارک باد خدا و پدر خداوند ما عیسی مسیح.

او به رحمت عظیم خود، ما را به واسطه رستاخیز عیسی مسیح از مردگان، برای امیدی زنده از نو زاده ساخت، برای میراثی فسادناپذیر، بی‌آلایش و ناپژمرده نشدنی که در آسمان برای شما نگاه داشته شده است. شما که به قدرت خدا، از طریق ایمان، برای نجاتی که آماده است در زمان آخر آشکار شود، محافظت می‌شوید. خدای پدر می‌خواهد که ما از نو زاده شویم. او ما را برای امیدی زنده از نو زاده کرد.

رستاخیز خدای پسر، قدرت تولد تازه را آزاد می‌کند. پدر از طریق رستاخیز عیسی مسیح از مردگان، ما را دوباره به امیدی زنده متولد کرد. پدر باعث تجدید حیات ما می‌شود.

او معمار رحمت خود است، همان چیزی که باعث می‌شود ما از نو متولد شویم. قدرت رستاخیز، زندگی واقعی، زندگی رستاخیزی خداوند عیسی مسیح است. روح القدس برجسته‌ترین، نگفتم مهم‌ترین، اما برجسته‌ترین نقش را در بازآفرینی ایفا می‌کند.

کار هر سه نفر بسیار مهم است، اما با نگاهی به شمارش بینی‌ها و نگاه به متون مربوط به تجدید حیات، روح القدس غالب است. در متن یوحنا ۳، عیسی با کلمات بازی می‌کند. زیرا همان کلمه یونانی، پنوما، می‌تواند به معنای نفس، باد یا روح باشد.

با حرف کوچک یا بزرگ. عیسی می‌گوید باد هر جا که بخواهد می‌وزد، و صدای آن را می‌شنوید، اما نمی‌دانید از کجا می‌آید یا به کجا می‌رود. بنابراین، هر کسی که از باد زاده می‌شود نیز چنین است. من این را ترجمه نمی‌کنم، اما هر دو کلمه یکسان هستند.

همینطور است در مورد هر کسی که از باد مقدس خدا، روح، متولد می‌شود، (با حروف بزرگ، یوحنا ۸:۳) همانطور که وزش باد خارج از کنترل ماست، در مورد روح القدس نیز همینطور است که مردم را از مرگ روحانی به حیات روحانی می‌رساند. کسانی که از نو متولد می‌شوند از روح متولد می‌شوند، (آیه ۸. در واقع جیم پکر، که اکنون نزد خداوند است، بر ضرورت نقش روح در تولد تازه تأکید می‌کند. از کتاب شناخت خدا اثر پکر، چاپ بیستمین سالگرد، صفحات ۶۲-۶۳، نقل قول، بدون روح القدس، هیچ ایمان و تولد تازه‌ای وجود نخواهد داشت.

خلاصه، هیچ مسیحی‌ای. نور انجیل می‌درخشد، اما، نقل قول از خدای این جهان، نقل قول در نقل قول، اما خدای این جهان ذهن کسانی را که ایمان ندارند کور کرده است، دوم قرن‌تین ۴:۴. و نابینایان به محرک نور پاسخ نمی‌دهند. از آنجا که روح به این طریق شهادت می‌دهد، مردم وقتی انجیل موعظه می‌شود ایمان می‌آورند، اما بدون روح، مسیحی در جهان وجود نخواهد داشت.

پکر، شناخت خدا. نیاز ما به تجدید حیات، مرگ روحانی است. تجدید حیات کار تثلیث مقدس است.

پدر آن را طرح‌ریزی می‌کند و با رحمت خود، آن را به وجود می‌آورد. پسر نیروی محرکه است. حیات رستاخیزی او حیاتی است که ما را در خود حلول می‌دهد و از مرگ به زندگی می‌آورد.

روح القدس نماینده واقعی پدر و پسر در اعمال حیات جدید به ماست. اگر پدر صاحب شرکت برق و پسر دینام آن باشد، آنگاه روح القدس به خانه ما می‌آید و ما را به برق وصل می‌کند. او ما را به شبکه برق متصل می‌کند، گویی که ...

البته، این سه شخص مثل همیشه با هماهنگی با هم کار می‌کنند. بازآفرینی و کار عیسی. اگر بازآفرینی بخشی از کاربرد نجات باشد، بر اساس کار مسیح، یعنی تحقق نجات، بنا شده است.

بنابراین، در این مورد نیز مانند هر مورد دیگری، چنین است. مرگ و رستاخیز عیسی اساس تجدید حیات است. مطمئناً می‌توانیم بگوییم که اگر نقشه خدا نباشد، تجدید حیات هم وجود نخواهد داشت، اما به طور خلاصه‌تر، اگر کار مسیح نباشد، تجدید حیات هم وجود نخواهد داشت.

پولس آدم و مسیح را در مقابل هم قرار می‌دهد. آدم دوم، رومیان ۵:۸، همانطور که از طریق یک خطا محکومیت برای همه وجود دارد، همانطور هم از طریق یک عمل صالح، توجیهی وجود دارد که منجر به حیات برای همه می‌شود. همانطور که گناه آدم، رومیان ۵:۱۸، همانطور که گناه اولیه آدم، نسل بشر را در محکومیت فرو برد، عمل صالح مسیح، مرگ او بر روی صلیب، توجیه و حیات ابدی را برای همه مؤمنان به ارمغان می‌آورد.

مرگ عیسی حیات می‌بخشد. مرگ مسیح نباید از رستاخیز او که اساس تجدید حیات نیز هست، جدا شود. همانطور که در اول پطرس ۱:۳ دیدیم. قدرتی که به ما حیات تازه می‌بخشد، از طریق رستاخیز عیسی مسیح، از مردگان حاصل می‌شود. پولس پس از تأیید اینکه مسیح از مردگان برخاسته است، در اول قرن‌تین ۱۵:۲۰ دوباره با قدرت آدم مقایسه می‌کند.

زیرا از آنجایی که مرگ از طریق یک انسان آمد، رستاخیز مردگان نیز از طریق یک انسان می‌آید. زیرا همانطور که در آدم همه می‌میرند، در مسیح نیز همه زنده خواهند شد. اول قرن‌تین ۱۵:۲۱-۲۲. مسیح قیام کرده. اکنون مردگان روحانی را زنده می‌کند و رستاخیز او دلیل رستاخیز آنها در پایان عصر خواهد بود.

کار مسیح برای هر جنبه‌ای از کاربرد نجات، از جمله تجدید حیات، کاملاً ضروری است. تجدید حیات و کلام خدا. این مرا به یاد فراخوانده شدن می‌اندازد.

خداوند از طریق دعوت انجیل، یعنی موعظه انجیل، دعوت مؤثر خود را انجام می‌دهد. دو بار دیده‌ایم که روح القدس نماینده خدا در تجدید حیات است. اکنون اضافه می‌کنیم که روح از کلام برای بخشیدن حیات جدید استفاده می‌کند.

انجیل، طبق رومیان ۱۶:۱-۱۷، «قدرت خداست برای نجات هر که ایمان آورد»، و این شامل نجات، هنگامی که به عنوان تجدید حیات در نظر گرفته شود، می‌شود. اول پطرس ۱:۲۳، پطرس تعلیم می‌دهد که خدا از کلام زنده برای ایجاد زندگی جدید استفاده می‌کند، نقل قول می‌کند، شما دوباره متولد شده‌اید، نه از بذر فانی بلکه از طریق کلام زنده و پایدار خدا، فناپذیر. اول پطرس ۱:۱ پطرس ۱:۲۳. یعقوب، با تأکید بر حاکمیت خدا در تجدید حیات، تعلیم می‌دهد که خدا از کلام حق برای زنده کردن ما استفاده می‌کند، نقل قول می‌کند او به انتخاب خود ما را به وسیله کلام حق به دنیا آورد تا ما نوعی میوه اول مخلوقات او باشیم، یعقوب ۱:۱۸. بنابراین، درک رابطه بین تجدید حیات و موعظه دشوار نیست.

روح القدس به طرز مرموزی و مقتدرانه‌ای از موعظه کلام برای بخشیدن حیات تازه به مردان و زنانی که در گناهان و خطاهای خود مرده اند، استفاده می‌کند. عیسی در صحبت با نیکودیموس، تولد دوباره و پادشاهی خدا را با نقل قولی از یوحنا ۳:۳ مرتبط می‌داند: «به راستی به شما می‌گویم، اگر کسی از نو متولد نشود نمی‌تواند پادشاهی خدا را ببیند.» تولد دوباره، دروازه خدا به پادشاهی است، پادشاهی خدا که توسط مسیح آغاز شده است. وقتی به لطف خدا وارد پادشاهی می‌شویم، آن را تجربه می‌کنیم، شهروند آن می‌شویم و مشتاق تجلی کامل آن در بازگشت مسیح هستیم.

تولد دوباره و غسل تعمید مسیحی. چندین سنت مسیحی به اشتباه آموزش داده‌اند که نوزادان یا مؤمنان در غسل تعمید تولد دوباره می‌یابند. این تولد دوباره تعمیدی نامیده می‌شود.

احیای تعمیدی نوزادان توسط کلیسای کاتولیک رومی و کلیساهای لوتری آموزش داده می‌شود. احیای تعمیدی مؤمنان توسط کلیساهای به اصطلاح احیاگر، مانند حداقل برخی از آنها، آموزش داده می‌شود؛ من سعی می‌کنم در این مورد انصاف داشته باشم، کلیساهای مسیح و کلیساهای مستقل مسیحی. احیای تعمیدی، چه برای نوزادان و چه برای مؤمنان، می‌گوید که خداوند به طور خودکار زندگی معنوی را از طریق آب غسل تعمید منتقل می‌کند.

این درخواست به چندین آیه از کتاب مقدس ارجاع داده شد که یکی از آنها شامل سخنان عیسی است، نقل «قول از» آمین، به تو می‌گویم، مگر اینکه کسی از آب و روح متولد شود، نمی‌تواند وارد پادشاهی خدا شود یوحنا ۳:۵. با در نظر گرفتن یوحنا ۳:۵ به عنوان اشاره به غسل تعمید. بسیاری از مفسران عهد جدید معتقدند که این آیه به غسل تعمید اشاره ندارد. عیسی انتظار داشت که نیکودیموس از تولد تازه آگاه باشد.

عیسی نمی‌توانست انتظار داشته باشد که از عملی که هنوز وجود نداشت، یعنی غسل تعمید مسیحی، اطلاع داشته باشد. عیسی در یوحنا ۳ احتمالاً به حزقیال ۳۶:۲۵ تا ۲۷ اشاره می‌کند که قبلاً آن را خوانده‌ایم بنابراین، تولد از آب به تطهیر آخرالزمانی اشاره دارد و تولد از روح به کار احیاکننده روح در قلب انسان‌ها اشاره دارد.

حزقیال نه تنها مشتاقانه منتظر جمع شدن دوباره اسرائیل از اسارت بود، بلکه به عهد جدید نیز بدون استفاده از این کلمه، همانطور که ارمیا در فصل ۳۱ انجام داد، چشم دوخته بود. با این حال، این مفاهیم با هم همپوشانی داشتند، که در آن خدا در روزهای آخر، یعنی زمان‌های آخرالزمان، با روح خود پاکی بزرگی از گناه را به ارمغان می‌آورد. این امر در عهد جدید و تولد دوباره محقق می‌شود، و عیسی از نیکودیموس انتظار داشت که از این موضوع آگاه باشد، نه اینکه کاملاً در تاریکی باشد.

عیسی به حزقیال ۳۶:۲۵ تا ۲۷ اشاره می‌کند، بنابراین تولد از آب به تطهیر آخرالزمانی اشاره دارد. حزقیال گفت: من شما را با آب پاک خواهم شست و پاک خواهید شد. و روح خود را به شما خواهم داد و دل‌های شما را ختنه خواهم کرد و دل گوشتی را از شما خواهم گرفت و به شما خواهم داد، دل سنگی را از شما خواهم گرفت، ببخشید، و دل گوشتی به شما خواهم داد.

قلب را بیرون بیاور، این کار نمی‌کند. قلب سنگی را بردار و قلبی از گوشت به تو بده. خدای من، این یک تصویر اساسی از چیزی است که در تجدید حیات اتفاق می‌افتد.

از سنگ به جسم، از مرگ به حیات، تولد از روح به کار احیای روح در قلب‌های انسان‌ها اشاره دارد. همچنین به تیطوس ۳:۵ و نجات از طریق غسل تولد دوباره و تجدید حیات توسط روح القدس استناد شده است. ما موافقیم که این به غسل تعمید اشاره دارد، اما نه تولد دوباره از طریق غسل تعمید، زیرا همانطور که در بالا ذکر شد، در عهد جدید، مردم ایمان می‌آورند و سپس در مورد موقعیت تبلیغی که ما می‌بینیم، مانند کتاب اعمال رسولان، غسل تعمید می‌گیرند.

تولد دوباره و غسل تعمید: غسل تعمید مسیحی مهم است، من آن را نه تنها یک آیین، بلکه یک آیین مقدس، یک نشانه مقدس از جانب خدا، موازی با موعظه کلام خدا و تابع موعظه کلام خدا می‌دانم، که از طریق آن همراه با شام خداوند، خداوند واقعاً به مؤمنان شرکت‌کننده در آن فیض می‌بخشد، اما من فیض را چنان به آن گره نمی‌زنم که خداوند به طور خودکار کسانی را که تعمید می‌گیرند، تولد دوباره می‌بخشد، همانطور که به طور خودکار کسانی را که در شام خداوند شرکت می‌کنند، نجات نمی‌دهد. تولد دوباره و ایمان. مؤمنان موافقتند که تولد دوباره و ایمان همزمان هستند.

با این حال، آنها در مورد اینکه کدام یک اولویت علی دارد، بحث می‌کنند. این روش بسیار بهتری برای بیان این موضوع است تا اینکه بگوییم کدام یک اول می‌آید. اگر آنها همزمان باشند، معمولاً همزمان اتفاق می‌افتند.

آیا ایمان علت تولد دوباره است، دیدگاه آرمین، یا تولد دوباره علت ایمان است، دیدگاه کالوین؟ بیایید یک کلید برق را در نظر بگیریم. کلید را می‌زنیم و فرض می‌کنیم که همه چیز برای این مثال به درستی کار می‌کند و چراغ‌های اتاق روشن می‌شوند. آیا زدن کلید ایمان و تولد دوباره است، یا زدن کلید تولد دوباره و تولد دوباره ایمان؟ برای درک بهتر این مثال، لطفاً برق کار نباشید؛ با من فنی صحبت کنید.

یا اینکه روشن کردن ماشین شما باعث روشن شدن کلید و روشن شدن ایمان می‌شود، یا اینکه روشن شدن کلید باعث روشن شدن ایمان و روشن شدن ماشین می‌شود؟ باز هم، لطفاً فرض را بر این نگذارید که ماشین روشن نمی‌شود. خدای من، باید در این مثال‌ها دقت کنید. و می‌توانید مثال‌های بسیار دیگری هم پیدا کنید. مثلاً روشن کردن تلویزیون و غیره.

همزمان، اما آیا تقدم علی یکی بر دیگری وجود دارد؟ به نظر می‌رسد که رساله اول یوحنا به این سؤالات پاسخ می‌دهد. ما الگویی را در رساله اول یوحنا ۲:۲۹، ۳:۹ و ۴:۷ می‌بینیم. در این قسمت‌ها، از کسانی صحبت به معنای به دنیا genoto می‌کند که دوباره متولد شده‌اند، از نو زاده شده‌اند. فعل مجهول کامل یونانی آوردن، به دنیا آوردن.

اول یوحنا ۲:۲۹. اگر می‌دانید که او عادل است، احتمالاً مسیح است، می‌گوییم احتمالاً چون اول یوحنا به خاطر سابقه‌ی برخی از این ضمائر بدنام است، و مطمئناً هم خدا و هم مسیح عادل هستند. اما به هر حال، این موضوع برای کاری که الان انجام می‌دهم مهم نیست.

اگر می‌دانید که مسیح عادل است، این را نیز می‌دانید. هر که کار نیک انجام می‌دهد، از او زاده شده است. من این را تکذیب می‌کنم.

احتمالاً پدر است، زیرا او بانی تولد تازه است. اگر می‌دانید که خدا عادل است، این را نیز می‌دانید. هر که کار نیک انجام دهد، از او زاده شده است.

در جایی که تولد تازه دلیل انجام کار درست است، هیچ پروتستانی نمی‌گوید که برای تولد دوباره، کار درست را انجام دهید. به این می‌گویند نجات از طریق اعمال.

اول یوحنا ۳:۹. هر که از خدا زاده شده است، همان کامل منفعلی، کامل بوده است، منفعل است، از خدا زاده شده است، گناه نمی‌کند زیرا بذریه او در او باقی می‌ماند. او قادر به گناه نیست زیرا از خدا زاده شده است. بار دیگر، تولد تازه علت زندگی مقدس است.

اول یوحنا ۴:۷. دوستان عزیز، بیایید یکدیگر را دوست بداریم زیرا عشق از جانب خداست و هر که عشق می‌ورزد از خدا زاده شده است و خدا را می‌شناسد. همان زمان مجهول کامل این فعل، زاده شدن. هیچ پروتستانی نمی‌گوید خدا را دوست بدارید تا دوباره زاده شوید.

نه، تولد تازه دلیل دوست داشتن خداست، نه گناه کردن و انجام کار درست. تولد تازه منجر به تقدس و دوست داشتن یکدیگر می‌شود. حالا، این چه ربطی به تولد تازه و ایمان دارد؟ خوشحالم که آن سوال را در کلاس پرسیدید.

پاسخ این است که در اول یوحنا ۵:۱ آمده است. هر کسی که ایمان دارد که عیسی مسیح است، از خدا زاده شده است. این همان مجهول کامل جاناو است. باور به اینکه عیسی مسیح است، یکی از راه‌های یوحنا برای بیان این است که به عیسی برای رستگاری ایمان دارد.

او می‌توانست بگوید، ایمان به عیسی به عنوان مسیح، ایمان به او به عنوان نجات‌دهنده، ایمان به او. من راه‌های دیگری را که یوحنا اول انجام می‌دهد فراموش می‌کنم، اما او آن را متفاوت می‌کند. اعتقاد به اینکه او پسر خداست، راه دیگری است.

هر که ایمان دارد که عیسی، مسیح است، هر که برای نجات به عیسی ایمان آورد، از خدا مولود شده است با پیروی از الگوی سه آیه قبلی، می‌بینیم که مولود شدن از خدا منجر به ایمان می‌شود. یوحنا به ایمان ما به عنوان گواهی بر مولود شدن ما از خدا اشاره می‌کند.

تولد دوباره و ایمان را نباید از نظر زمانی از هم جدا کرد، زیرا هر دو همزمان رخ می‌دهند، اما باید آنها را از هم متمایز کرد، به این صورت که تولد دوباره تصویری از رستگاری است که بر کار خدا در بخشیدن زندگی جدید به ما تأکید می‌کند، در حالی که گرویدن تصویری از رستگاری است که بر واکنش ایمانی ما به خدا تأکید می‌کند، درک من از ارتباط بین تولد دوباره و ایمان این است که تولد دوباره، چرخاندن سوئیچ، روشن کردن استریو، چرخاندن کلید برای روشن کردن ماشین است و ایمان، روشن کردن اتاق، شروع موسیقی یا روشن شدن ماشین است - در نهایت، تولد دوباره و زندگی مسیحی.

تجدید حیات ثمرات زیادی در زندگی مؤمنان به بار می‌آورد. پولس شرح می‌دهد که چگونه خلقت جدید ناشی از مرگ و رستاخیز مسیح در اعمال نیک ظاهر می‌شود، افسسیان ۲:۱۰. روح القدس حیات می‌بخشد، دوم قرنتیان ۳:۶، و مؤمنان را از جلال به جلال به تصویر مسیح تبدیل می‌کند، آیه ۱۸. پطرس خدای پدر را ستایش می‌کند، که ما را به امید زنده‌ای از میراثی که فسادناپذیر، بی‌آلایش و ناپژمرده نیست و در آسمان برای مؤمنان نگه داشته می‌شود، تجدید حیات بخشید.

از آنجا که ما از نو زاده شده‌ایم، نه از تخم فانی، بلکه از تخم فناپذیر، به واسطه کلام زنده و پایدار خدا، ما با نقل قول، عشق برادرانه و صمیمانه‌ای از قلبی پاک به یکدیگر نشان می‌دهیم و یکدیگر را از صمیم قلب دوست می‌داریم، اول پطرس ۱:۲۲.۲۳. اول یوحنا پیوسته آموزه‌های آنها در مورد تجدید حیات را در زندگی

، مسیحی به کار می برد. یوحنا تعلیم می دهد که زندگی جدید بر آنچه مؤمنان باور دارند، آنچه مردم باور دارند نحوه زندگی آنها و نحوه عشق ورزیدن آنها تأثیر می گذارد. تجدید حیات بر ایمان تأثیر می گذارد، زیرا یوحنا سفارش می کند: دوستان عزیز، به هر روحی ایمان نیاورید، بلکه ارواح را بیازمایید تا ببینید که آیا از جانب خدا هستند یا خیر، زیرا بسیاری از پیامبران دروغین به جهان رفته اند.

اینگونه است که شما روح خدا را می شناسید، اول یوحنا ۴: ۱-۳. هر روحی که اعتراف می کند عیسی در جسم آمده است از خداست، اما هر روحی که عیسی را اعتراف نمی کند از خدا نیست، اول یوحنا ۴: ۱-۳. یوحنا به خوانندگان خود اطمینان می دهد که کسانی که دوباره متولد شده اند به عیسی ایمان دارند، اول یوحنا ۵: ۱. تولد دوباره بر سبک زندگی تأثیر می گذارد، زیرا خدا نور است و مطلقاً هیچ تاریکی در او وجود ندارد، اول یوحنا اگر بگوییم که با او رفاقت داریم و در عین حال در تاریکی قدم می زنیم، دروغ می گوئیم و به حقیقت ۷-۵: ۱ عمل نمی کنیم. اگر در نور قدم می زنیم همانطور که خود او در نور بود، با یکدیگر رفاقت داریم و خون پسر عیسی ما را از هر گناهی پاک می کند، اول یوحنا ۱: ۵-۷. قدم زدن در نور به معنای به کار بستن حقیقت خدا و داشتن یک زندگی مقدس است. زندگی خدایسندانه به معنای کمال بدون گناه نیست، بلکه شامل اعتراف منظم به گناه است، اول یوحنا ۱: ۸-۱۰. تولد تازه، شکل دهندهی این است که ما به چه کسی و چگونه عشق می ورزیم، زیرا زندگی جدید در عشق به خدا و به دیگر ایمانداران تجلی می یابد.

ساموئل نیگاوا از کنیا به خوبی بیان می کند: نقل قول، باور و عمل از هم جدا نیستند. صداقت باور فرد به عیسی با عشق او به دیگر فرزندان خدا نشان داده می شود، نقل قول نزدیک. تفسیر کتاب مقدس آفریقایی، ساموئل نیگاوا، اول یوحنا، صفحه ۱۵۳۵.

زیرا عشق یکی از ویژگی های اساسی خداست. خدا عشق است، اول یوحنا ۴: ۸. جان استات می گوید که این جمله به سادگی نقل قول می شود: عشق خدا که از خود او سرچشمه می گیرد، اول یوحنا ۴: ۷-۸، در پسرش آشکار شد، اول یوحنا ۴: ۹-۱۰، و در قوم او کامل شد، آیه ۱۲. به طور خاص، یوحنا تأکید می کند که خدا عشق است.

او خیر دیگران را می خواهد و تا ابد از خود برای خیر آنها مایه می گذارد. عشق او ذاتی، ابدی و مرتبط با تمام صفات الهی اوست. این عشق در تثلیث به این صورت بیان می شود که پدر پسر را دوست دارد، پسر پدر را دوست دارد، هر دو روح را دوست دارند و غیره.

این عشق ذاتی به دیگران، حتی به ما نیز سرایت می کند. در واقع، روح ساکن در ما، عشق خدا را به ما منتقل می کند، به ویژه در آمدن و کار نجات بخش مسیح. روح به ما تولد تازه می دهد و عشق خدا را از طریق ما به خدا منتقل می کند.

ما خدا را دوست داریم زیرا او ابتدا ما را دوست داشت. این واقعیت که ما خدا را دوست داریم نشان می دهد که ما از خدا زاده شده ایم، و عشق ما به دیگران نشان می دهد که ما از خدا زاده شده ایم، اول یوحنا ۴: ۷-۸. رابرت یاربرو خاطر نشان می کند که عشق خدا، نقل قول، در کسانی که خدا به آنها تولد دوباره روحانی می دهد، عشق ایجاد می کند. یاربرو، ۱-۳ یوحنا، صفحه ۲۳۵.

جانانان ادواردز در نقل قولی توضیح می دهد که وقتی روح، با تأثیرات عادی خود، فیض نجات بخش را ارزانی می دارد، در آن، خود را در ذات مقدس خود به روح منتقل می کند. با ایجاد این تأثیر، روح به یک اصل ساکن و Soli، حیاتی در روح تبدیل می شود و سوژه روحانی می شود، نقل قول نزدیک. ادواردز، نیکوکاری و ثمرات آن Deo Gloria، 2.5.7.

چنین فیض الهی به اصطلاح به اعماق قلب می‌رسد. این فیض شامل طبیعتی جدید است و بنابراین، پایدار و بادوام است، دوباره ادواردز. به عبارت دیگر، روح، عشق خدا را به ما منتقل می‌کند.

روح، عشق خدا را از طریق ما به خدا منتقل می‌کند، و عشق خدا را از طریق ما به دیگران منتقل می‌کند. روح همچنین عشق خدا را به دیگران منتقل می‌کند. او عشق خدا را از طریق دیگران به خدا منتقل می‌کند، و عشق خدا را از طریق دیگران به ما منتقل می‌کند.

ما بخشی از قوم خدا، کلیسا و جامعه هستیم که با عشق مشخص می‌شوند. به همین ترتیب، ما نه تنها عشق می‌دهیم، بلکه آن را نیز دریافت می‌کنیم. عشقی که می‌دهیم و عشقی که دریافت می‌کنیم، در نهایت از عشق خود خدا سرچشمه می‌گیرد.

همانطور که خداوند واقعاً خیر دیگران را می‌خواهد و خود را برای خیر آنها فدا می‌کند، ما نیز به عنوان قوم خود، واقعاً خیر دیگران را می‌جوئیم و خود را برای خیر آنها فدا می‌کنیم. کریستوفر مورگان، نقل قول می‌کند عشق تثلیث چگونه عشق ما به یکدیگر را شکل می‌دهد؟ در کتابی با عنوان عشق به خدا، صفحات ۱۳۰-۱۴۲. این کتاب در مجموعه الهیات در اجتماع است.

در اینجا ارائه ما از مبحث خلقت تازه به پایان می‌رسد، و در این سخنرانی، به امید خدا، در سخنرانی بعدی، به آموزه تبدیل خواهیم پرداخت.

این دکتر رابرت پترسون در آموزه‌هایش در مورد نجات است. این جلسه دهم، خلقت تازه است.